

# پایه از یک هنرمند محمد محمود

رشد آموزش هنر  
۴۶  
دوره چهارم / شماره ۴  
تابستان ۱۳۸۶

## آناهیتا مداحی

دردل زمستان ۱۳۰۵، در یک روز  
از ماه بهمن که سطح زمین از سفیدی  
برف به سردی فلز نقره شده بود،  
کودکی در اصفهان دیده به جهان  
گشود. در آن زمستان، لبخند مهر،  
گرمای تولدش را دوچندان کرده بود.  
پدرش زارع بود تا با همت  
بازوانش، نانی به خانواده هدیه کند.  
مادرش دوست داشت فرزند دومش،  
تنها پسر خانواده، آموختن را تجربه  
کند. همتی کرد و کودک پنج ساله‌اش  
را به مکتب‌دار سپرد تا بیاموزد: «الف،  
ب، پ، ...»

این اولین نوای دسته‌جمعی بود  
که محمود تجربه می‌کرد. زمان  
آموختن دو سال طول کشید. پس از  
طی این زمان، چه کسی تصمیم  
می‌گرفت؟ پدر، مادر یا خواهر؟ استاد  
می‌فرمود: «خواهرم همه چیز بود؛  
استاد، مشاور، راهنما، پناهگاه.»  
محمود در آن زمان که در آغوش  
خواهر به نجوای مهرآمیزش گوش  
می‌داد، از دورها صدایی می‌شنید، چون  
آوای فرشتگان برفراز آسمان خانه  
پرواز می‌کردند. محمود نیز با آن صدا





جام برجسته کاری نقره، ارتفاع ۲۰ سانتی متر، طرح و قلم: محمود دهنوی. موزه سازمان صنایع دستی ایران

می افزود و حرارت می داد تا به صورت قابل استفاده برای داخل ظرف درآید. و یا ظروفی را که باید روی آن‌ها قلم‌زنی می‌شد، از دواتگر، ریخته‌گر یا چکش کار می‌گرفت و داخل، آن‌ها را با مخلوط قیر و گچ پر می‌کرد و برای کار جلوی دست استاد می‌گذاشت. سرانجام، محمود با عزم راسخ گفت: «اگر چکش نیست، من با وزنه قلم‌زنی می‌کنم.» و دیری نپایید که زیر نظر استاد رضا نایب‌پور، روی ظروف نقره‌ای به کار پرداخت و ذوق و اشتیاق و استعداد سرشارش سبب شد، به زودی مهارت لازم را به دست آورد و کارگاهی مستقل برپا کرد. اندکی بعد، در سال ۱۳۳۲ به همراه خانواده راهی تهران شد و به پیشنهاد استادان و بزرگی چون مرحوم حسین مصورالملکی و علی کریمی، در سال ۱۳۳۴ به یاری سازمان میراث فرهنگی آن زمان (اداره‌ی کل هنرهای زیبا) شناخت. او در زمان شاگردی استاد مصورالملکی، طراحی را فراگرفت و به توصیه‌ی ایشان به مطالعه‌ی نقوش اصفهان پرداخت.

همانند فرشتگان به پرواز درمی‌آمد. نوای این نغمه آرزوی کودکی شد که هرگز چکش یا قلمی به دست نگرفته بود و اصلاً شیرینی قلم‌زنی را تجربه نکرده بود. اولین آموزشگاه محمود، «کارگاه قلم‌زنی برادران عتیقه‌چی» نام داشت. ابتدا پادویی می‌کرد، گرچه لحظه‌ای هرس گرفتن چکش و زدن آن بر فراز قلم، از دل او بیرون نمی‌رفت. اما نگاه پر تمنا و نگاه خاموشش دل آموزگار را به رحم نمی‌آورد و حتی اجازه‌ی امتحان کردن را نیز به او نمی‌داد؛ با گفتن این‌که: چکش نیست تا او کاری انجام دهد، و ایشان مشغول جمع کردن و مرتب کردن کارگاه می‌شد. قلم، سنبه، نیم‌پر، گرد سوار، گرسوم، یک تو، دو تو، ناخنی، بادامچه، کف تخت، نیمرو، نیم بر کلفت، قلم ساده یا درختی، قلم تیری، قلم بادامی، خشه تیزبر، و چکش‌های فلزی قلم‌زنی را روی میز استاد مرتب می‌کرد. یا این‌که قیر مخصوص قلم‌زنی را مهیا می‌کرد و به آن گچ

بشقاب برجسته کاری نقره، قطر ۲۸ سانتی متر، طرح  
وقلم: محمود دهنوی. موزه هنرهای ملی ایران



با مطالعه و بررسی طرح‌ها و نقوش ادوار گوناگون تاریخ، چون مفرغ‌های لرستان، هخامنشی، اشکانی، ساسانی، سلجوقی و... به احیای نقوش اصیل هنر قلم‌زنی همت گماشت و دریافت که طرح‌ها و نقوش ایرانی، سرشار از رمز و رازهایی است که برای خلق آثار اندیشمند همانند آن‌ها، باید دقایق و ظرایف آن‌ها را درک کرد. وی کوشید، با تعمق به آثار گذشتگان بنگرد و با الهام از آثار و سبک‌های آن‌ها، در کار خود نوآوری و خلاقیت ایجاد کند.

استاد دهنوی، پس از طراحی نقوشی که قرا بود روی فلز پیاده شوند، با ابزاری مانند پرگار ابعاد ظرف را تقسیم‌بندی می‌کرد و به صورت مستقیم به وسیله‌ی مداد یا ابزار تیز، مانند قلم نیم‌پر یا قلم سنبه، طرح را روی ظرف فلزی انتقال می‌داد. روش دیگر برای انجام این کار، «گرده‌کردن» است. در این روش، طرح آماده شده را روی قطعه فلزی برنجی قرار می‌دهند و با چکش و قلم سنبه آن را مشبک می‌سازند و خطوط طرح را با نوک قلم روی فلز برنجی با سنبه سوراخ می‌کنند تا هنگام گرده‌کردن طرح، خطوط به آسانی روی ظرف منتقل شوند. سپس کاغذ سنبه شده را روی ظرف می‌چسبانند و با گرده‌ی ذغال (دوده) که داخل قطعه



سینی مسی قلم‌زده، قطر ۳۹ سانتی متر، طرح و قلم:  
محمود دهنوی. موزه سازمان صنایع دستی ایران

پارچه‌ای قرار دارد، روی کاغذ سنبه شده می‌کشند تا طرح از سوراخ‌های کاغذ روی ظرف قلم‌زنی انتقال یابد. پس از قلم‌زنی و اتمام کار، قیر را گرم می‌کنند و از داخل ظرف یا پشت‌بوم (پلاک) فلزی برمی‌دارند. زیبایی هنر قلم‌زنی هنگامی نمایان می‌شود که ظرف برنجی یا مسی را با محلول تمیز آب سلطانی، و ظرف طلا و نقره را با محلول اسید سولفوریک پرداخت کنند.

استاد بیش از ۲۶ سال مدیریت کارگاه قلم‌زنی را در اداره‌ی میراث فرهنگی برعهده داشت. سرانجام در سال ۱۳۵۹ بازنشسته شد و به تدریس قلم‌زنی و طراحی سنتی در مراکز آموزش عالی پرداخت. استاد دهنوی به برپایی بیش از ۱۰ نمایشگاه در داخل و خارج از کشور، از جمله بلژیک (بروکسل)، مصر، تونس، امارات عربی، هند، ایتالیا، انگلستان، آلمان و عمان همت گماشت و بازدیدکنندگان، آگاهان و نقادان آثار هنری، به تحسین آثار ایشان پرداختند. بخشی از آثار ایشان زینت‌بخش موزه‌ها، گنجینه‌های شخصی و عمومی در سراسر جهان است که بخش اعظم آن در موزه‌ی هنرهای ملی ایران و نمایشگاه دائمی آثار صنایع دستی ایران نگه‌داری می‌شوند. هم‌چنین، در سال ۱۳۶۸ هـ - ش از سوی سازمان صنایع دستی، یکی از آثار ایشان به عنوان تمبر یادبود به چاپ رسید.

از هم‌دوره‌ای‌های محمود دهنوی می‌توان از این استادان نام برد: **حاج محمد تقی ذوفن** (که ضریح بارگاه امام رضا(ع) را در سال ۱۳۳۵ ساخت)، **حاج سید محمد عریضی** (که ضریح کنونی مرقد حضرت معصومه (س) را ساخت)، **محمود ربیعی**، **نظرالله مهدبی**، **ابراهیم داعی‌زاده** (نفر اول قلم‌زنی در دوران جنگ دوم جهانی)، **اشرف‌زاده**، **شاه میرزا لاهیجی**، **حسین علاقه‌مندان**، **حاج محمدعلی پرورش**، **سید مهدی علمداری**، **حدادزاده**، **برادران خسروانی**، و **هاکوبیان**.

از شاگردانی که از قلم ایشان اثری دارند، می‌توان از استاد **احمدفیناستیان**، و از کسانی که شاگردشان نبوده‌اند، ولی از قلم ایشان درس گرفته‌اند، **آقای مجید بهرام‌پور** و **آقای بزرگیان** را نام برد. استاد سرانجام در سال ۱۳۸۰ دیده از جهان فرو بست و به دیار باقی شتافت. روحش شاد و قرین رحمت باد.

رشد آموزش هنر

۴۹

دوره‌ی چهارم بشماره‌ی ۴  
تابستان ۱۳۸۶